

## رقابت سیاسی و ثبات سیاسی در جمهوری اسلامی ایران

مؤلف: دکتر غلامرضا خواجه سروی

ناشر: انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی

چاپ اول: تابستان ۱۳۸۲

شمارگان: ۲۵۰۰ نسخه

قیمت: ۳۲۰۰ تومان

شابک: ۹۶۴-۸۱۳۴-۲۵-۱

از ویژگی‌های جمهوری اسلامی ایران، روش حکومتی مردم سالارانه است که به شیوهی سنتی و بومی، نظارت مستمر و دائمی مردم را در همه‌ی ارکان سیاسی اجتماعی جامعه، محقق کرده است. یکی از جلوه‌های مهم مردم سالاری، تداوم رقابت سیاسی برای تأثیرگذاری بر سیاست‌سازی و اجرای سیاست‌هایی است که جمهوری اسلامی خواستار آن است.

«رقابت سیاسی و ثبات سیاسی بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند.» این کتاب با نگاهی به سیر حکومت در تاریخ سیاسی معاصر ایران، به بررسی این مقارنه پرداخته است و راه‌کاری برای برقراری و تقویت مقارنه‌ی سیاسی و ثبات سیاسی در جمهوری اسلامی ارائه می‌دهد.

مؤلف ضمن بررسی جامع و همه‌جانبه در زمینه‌های سیاسی بحث،

ضرورت آن را طرح و با مقایسه‌ی دوره‌ی قبل و پس از پیروزی انقلاب اسلامی (و دوره‌های تقسیم شده‌ی پس از پیروزی انقلاب اسلامی با یک دیگر) به راه‌کاری جدید دست می‌یابد و مدل پیشنهادی خود را با عنوان «راهبرد کنترل» ارائه می‌دهد.

مطالب کتاب در دو بخش و هشت فصل سازماندهی شده است که از تعریف مفاهیم اصلی آغاز می‌شود. رقابت سیاسی و ثبات سیاسی از حیث لغت، اصطلاح و تحوّل تاریخی دو مفهوم، بررسی شده، تعاریف مختصر و مفصل آن از منظر نخبگان سیاسی ارائه می‌شود.

از مطالعه‌ی مفهوم «رقابت سیاسی» از دیدگاه‌های مختلف، این تعریف به دست آمده که رقابت سیاسی بخش اساسی از بازی کلّی سیاسی است که به اصول خاصی متکی بوده، نهادهای معینی آن را به جریان می‌اندازند «رقابت سیاسی» نوعی نگرهبانی و مراقبت عملی سیاستمداران از یک دیگر است که با هدف دستیابی به قدرت سیاسی و بازی به صورت حاصل جمع مثبت ارائه می‌شود، اما «ثبات سیاسی» ناظر بر فقدان نسبی برخی حوادث سیاسی بی‌ثبات‌کننده‌ای است که بتوانند الگوی متعارف یک نظام سیاسی را تغییر داده یا با آن از درّ چالش در آیند.

با ارائه‌ی چنین تعریفی، می‌توان ضمن بررسی حوادث تاریخی ایران، ارتباطی سامان‌مند بین این دو مفهوم ایجاد کرد.

مؤلف این کتاب، برای تبیین چارچوب نظری این ارتباط، رقابت سیاسی را با کالبدشکافی آن در قالب مسابقه‌ی قدرت سیاسی مجسم کرده به این معنا که: رقابت سیاسی، به عنوان نوعی مسابقه، تلاشی است برای تصاحب و حفظ قدرت و تسلط بر مراکز قدرت که عوارض و نتایج وضعی این تلاش، ممکن است مراکز و نهادهای قدرت را تغییر دهد و نهادها را

تحت تأثیر قرار دهد که موارد تأثیر پذیرفته، شاخص‌هایی هستند که وجود ثبات یا بی‌ثباتی سیاسی را روشن می‌سازند. این نقطه‌ی اتصال دو مؤلفه است که در عالم واقع برقرار می‌شود و تأثیر رقابت را بر ثبات نشان می‌دهد. در بررسی آسیب‌شناسانه‌ی ثبات سیاسی در جمهوری اسلامی، بررسی پیشینه‌ی تاریخی رقابت سیاسی و ثبات سیاسی در دوره‌ی قبل از پیروزی انقلاب ضروری است، زیرا حوادث و تعامل این دو مؤلفه، رهنمودهای عملی جهت حفظ ثبات سیاسی در جمهوری اسلامی ارائه خواهد کرد.

تجربه‌ی رقابت سیاسی و ثبات سیاسی که در دو دوره‌ی صدر مشروطه و دهه‌ی ۱۳۲۰ بررسی شده؛ نشان از آن دارد که دو نوع رقابت؛ رقابت هویتی که به بی‌ثباتی سیاسی شدید منجر شده است و رقابت سیاسی غیر هویتی که به تغییر مقامات اجرایی و... منجر شده است با شدت و اولویت نوع هویتی وجود داشته است.

علت اصلی وجود رقابت هویتی، عدم اجماع جناح‌های رقیب بر سر اصول موضوعه‌ی نظام سیاسی و هم‌چنین نداشتن سازوکار مناسب رقابت بوده است.

تأثیر عینی رقابت نیروهای سیاسی ایران در هفت سال اول پیروزی انقلاب بر شاخص‌های ثبات سیاسی در فصل پنجم این کتاب، به تفصیل مورد بررسی و نقد قرار گرفته است.

در سه سال اول؛ کفه‌ی رقابت سیاسی سنگین‌تر از کفه‌ی ثبات سیاسی بوده است. تغییر حکومت، کابینه‌ها، چالش‌های خشونت‌آمیز و... جامعه را به سوی بی‌ثباتی پیش می‌برد و این به علت عدم اجماع بر سر مسائل بنیادی نظام و نبود سازوکار مناسب رقابت سیاسی بوده است. نیروهای سیاسی بر

سر تعیین رئیس جمهور، نخست وزیر و... اجماع نداشتند... اما چهار سال بعدی این دوره، با وجود چالش های مسالمت آمیز، اعتصاب، تحصن، انتقاد و... گامی به سوی کاهش بی ثباتی برداشت که در دولت اوّل «موسوی» محقق شد. در این دوره نیروهای سیاسی جامعه از چهار نیرو به یک نیرو تقلیل یافت که می بایست سیاست مداری و اعمال حاکمیت را در جنبه های مختلف تجربه کند و پاسخگوی نیازهای مردمی باشد. در دوره ی بعدی (۱۳۶۴ - ۱۳۷۶) رقابت سیاسی بین طیف های سیاسی نیروهای مذهبی ادامه یافت، اما با کمتر شدن جنبه ی هویتی رقابت سیاسی، بی ثباتی کمتری مشاهده گردید. اقتدار دولت در دوره های جنگ و سازندگی و وحدت نظر دو جناح بر این اصل، از بی ثباتی کاسته است، لذا مسابقه ی دو تیم از نیروی مذهبی، واقعیتی به نام نزدیک تر شدن ثبات سیاسی و رقابت سیاسی به مقارنه را محقق می سازد. در دوره ی سوّم پس از پیروزی انقلاب اسلامی، (۱۳۷۶ - ۱۳۸۰) بی ثباتی افزون شده است، اما این وخامت از عملیات روانی ناشی شده است. با حملاتی که علیه اصول معتقدات اسلامی یا قانون اساسی انجام شد، اجماع دو طیف بر مبنای موضوعه نظام، وجود نداشت، لذا تضعیف شد و اختلاف نظر نیز بر سر مسائل اقتصادی و اجتماعی شدت یافت. در این دوره، سازوکار رقابت نیز تنزل یافت، بنابراین در بررسی تاریخ جمهوری اسلامی تنها دوره ای که رقابت سیاسی و ثبات سیاسی مقارنه داشتند، دوره ی جنگ و سازندگی بوده است که در آن «کنترل رقابت سیاسی» نکته ی مهمی بود. وجود این عامل، نشان نوعی مشکل فرهنگی است. این واقعیت در تاریخ ایران وجود داشته است که ایران عمدتاً تحت سلطه ی استبداد بوده و تنها کمتر از یکصد سال است که با مفاهیم حکومت، قانون، جامعه ی مدنی و... آشنا شده است، اما تنها پس از پیروزی انقلاب

اسلامی است که مفاهیم به صورت عمل، واقعیت عینی یافتند، لذا فرهنگ رقابتی در ایران نوپاست و تغییر یک فرهنگ، سخت و نیازمند زمان بسیاری است.

راهبرد کنترل، زمانی عملی می‌شود که نظام سیاسی از دو بخش تشکیل یابد، بخش ثابت که بایستی بی‌طرف و در جهت منافع ملی حرکت کند (رقابت سیاسی را کنترل کند) و بخش متغیر که عملیات رقابت سیاسی را با هدایت بخش ثابت انجام می‌دهد، اما برای تداوم حیات موازنه‌ی این دو مؤلفه، بایستی نیاز مردم و نخبگان به وجود رقابت سیاسی تقویت شود، اصلاح فرهنگی، تقویت نهادهای فرهنگ‌ساز، واگذاری کارهای مردم به خود در حوزه‌ی اقتصادی و... از جمله راه‌های ایجاد این احساس نیاز خواهد بود.

منابع این کتاب، بیش از ۲۰۰ عنوان کتاب، مقاله و نشریه‌ی انگلیسی و فارسی است که مطالب بالا را به شیوه‌ای مستدل و تحلیلی ارائه کرده است. در انتهای این کتاب فهرستی از اعلام اشخاص، اماکن، کتب و نشریات، سازمان‌ها و احزاب و گروه‌ها تهیه شده که دسترسی به مطالب مورد نظر را آسان می‌کند. خلاصه‌ای از کتاب به زبان انگلیسی و عربی، ارتباطی ویژه با دیگر دانش پژوهان غیر فارسی زبان برقرار می‌کند. این پژوهش در کتابی با قطع وزیری، با ۵۰۸ صفحه، از سوی مرکز اسناد انقلاب اسلامی منتشر شده است و راهی نو فر راه دوستان علم و پژوهش و به ویژه علاقه‌مندان به مباحث سیاسی می‌گشاید.

مهناز میزبانی